

اسناد مَحْكَمَةُ سَيِّدِ صَادِقِ طَباطبایی (سنگلجی)

مجتهد عصر ناصری

(مربوط به سالهای ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ هـ ق)

امید رضایی



نشر آبی

۱۳۸۷

سرشناسه:

دارالخلافه ناصری (تهران).

عنوان و نام پدیدآور:

گزیده‌ای از اسناد محکمه سیدصادق طباطبائی
(سنگلجی) مجتهد عصر ناصری ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ ه. ق. / به کوشش امید
رضایی.

مشخصات نشر:

تهران: آبی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری:

۳۴۴ ص.: نمونه.

شابک:

964-5709-91-1

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیا

موضوع:

معاملات - ایران - تاریخ - قرن ۱۳ - اسناد و مدارک.

موضوع:

ثبت - ایران - تاریخ - قرن ۱۳ - اسناد و مدارک.

شناسه افزوده:

طباطبائی سنگلجی، صادق بن محمد مهدی، - ۱۳۰۰ ق.

شناسه افزوده:

رضائی، امید، ۱۳۴۹ - ، گردآورنده.

رده‌بندی کنگره:

۴ گ ۵ د / ۱۳۷۲ DSR

رده‌بندی دیویی:

۹۵۵/۰۷۴۵

شماره کتابشناسی ملی:

۱۰۸۸۶۲۱



نشر آبی

اسناد محکمه سیدصادق طباطبائی (سنگلجی)

مجتهد عصر ناصری

(مربوط به سالهای ۱۲۸۴ - ۱۲۸۵ ه. ق.)

نشر آبی

تهران، خیابان کریمخان زند، شماره ۱۰۹ (مقابل ماهشهر)، تلفن ۸۸۸۴۳۵۲۵

• چاپ اول ۱۳۸۷ • تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه • چاپ و صحافی: کتاب شمس

ISBN: 978 - 964-5709-91-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۰۹-۹۱-۲

۳۰۰۰ تومان

یادداشت ناشر

دفتری که در دست دارید گزیده یکی از کتابچه‌های محکمه آقا سید صادق طباطبائی «سنگلجی» مجتهد بزرگ عصر ناصری متوفی ۱۳۰۰ ه.ق. در تهران و جد اعلای خاندان طباطبائی است که سال‌ها در کتابخانه شخصی صاحب این قلم با دقت و وسواس نگهداری می‌شد و هم‌اینک در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران حراست می‌شود. (این اسناد مربوط به حد فاصل سال‌های ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ ه.ق. می‌باشد).

آقا سید صادق پس از وفات در آرامگاه باشکوهی در ضلع شمال غربی میدان حضرت عبدالعظیم که توسط یوسف مستوفی الممالک صدراعظم ناصرالدین شاه برای خاندان طباطبائی در نظر گرفته شده بود، در بنائی با کتیبه‌هایی از کاشی و منقوش به آیات قرآنی در زیر یک کلاه فرنگی به خاک سپرده شد. سنگ قبر یک تکه و خط بسیار زیبایی آن در نوع خود دیدنی و کم نظیر می‌باشد.

امروزه متأسفانه از شکوه و جلال آرامگاه چندان نشانی برجا نمانده است.

گفتنی است پیش از این هم یادداشت‌های سید محمد طباطبائی فرزند آقا سید صادق، از رهبران به نام و خوشنام انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۳۸۲ توسط نشر آبی به بازار نشر عرضه شده است. گزیده حاضر عمدتاً شرح انواع عقود و معاملات در دارالخلافة ناصری و برخی شهرهاست که نخست به همت آقای امید رضائی مورد شناسائی قرار گرفت و پس از احراز اهمیت و اعتبار آن از نظر تحقیقات ایرانشناسی و مطالعات اجتماعی - اقتصادی تصمیم گرفته شد در شمارگانی محدود به چاپ برسد. امید است که با توجه به اصالت، قدمت و تنوع اسناد، اهل تحقیق و تتبع، و علاقه‌مندان پژوهش در دوره قاجار از آن بهره‌مند شوند.

پیشگفتار

در ایران، سوای کتب و نسخ خطی، هنوز منابع آرشیوی بکر و گرانسنگ برای مطالعات اجتماعی-اقتصادی که ناشناخته و بلااستفاده مانده‌اند، بسیار است. ساختار اجتماعی جامعه ایران در چند سده اخیر به گونه‌ای بوده که هر یک از علمای شیعه از استقلال عمل برخوردار بوده چراکه مستقل و بدون نیاز به مجوز دولتی نسبت به تحریر و ثبت اسناد قلم بر می‌داشته است. این در حالی است که در کشورهای همانند عثمانی، سوریه و مصر، حکومت نظام نگارش و ثبت اسناد را در دست داشته و بدین دلیل همین اسنادی که با یک روش و الگو در سراسر مملکت توسط افراد معین تحریر و تدوین می‌شد، نسخه‌ای از آن نیز در دفاتر مخصوصی به ثبت می‌رسیده است. همین موضوع نقش بسزایی در گسترش و پیشرفت تحقیقات حوزه‌های مختلف شرق‌شناسی در محدودهٔ امپراتوری عثمانی و کشورهای عربی داشته است. چراکه اغلب محققان به سهولت انبوهی از اسناد مربوط به محدودهٔ زمانی و مکانی مشخصی را به دست می‌آورده‌اند و بنا به تخصص خود آنها را مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار می‌داده‌اند. اما چنانکه گفته شد در ایران اوضاع کاملاً فرق داشته است و اوراق تاریخی هنوز ناشناخته و برای پژوهشگران مطالعات ملی - ایران‌شناسی - قابل دسترسی نیستند. با وجود این، در ایران هم از زمان مشخصی توجه به «ثبت اسناد» و لزوم استفاده از «کتابچهٔ شریعات» در نزد مجتهدان مورد اهتمام قرار گرفت بطوری که در نخستین دهه سال ۱۳۱۰ق.^۱ ۱۸۸۲م، اکثر علمای پایتخت کتابچه‌ای بدین منظور داشتند.

۱. اخیراً یکی از کتابچه‌ها که مربوط به شیخ فضل‌الله نوری از دوم ربیع‌الثانی ۱۳۰۳ق. الی ۱۳۰۶ق. است با نام «در محضر شیخ فضل‌الله نوری، اسناد حقوقی عهد ناصری» توسط منصوره اتحادیه و سعید روحی در سلسله انتشارات نشر تاریخ ایران

الف) دلایل انتساب این کتابچه به محکمه آقا سید صادق

پیش از این صرفاً با تکیه بر اسناد آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه^۱ تا حدی وضعیت و سابقه ثبت اسناد در دوره قاجار قبل از سال ۱۳۰۰ ق. روشن شده است.^۲ انتشار مقاله "آقا سید صادق مجتهد سنگلجی و ثبت نوشتجات شرعی"^۳ و گفتگو با مدیر محترم نشر آبی، این احتمال را قوت بخشید که شاید دو نسخه خطی موروثی در کتابخانه شخصی ایشان، کتابچه‌های شریعات آقا سید صادق باشد. بررسی کتابچه و به دست آوردن چند مستند موضوع را تأیید کرد: اول «اجازة‌نامه»ای به تاریخ ۲۹ ذیحجه ۱۲۸۴ / مارس ۱۸۶۸ که به قلم صاحب کتابچه بود: «حرره الاقل محمدصادق بن محمد مهدی الحسینی الطباطبائی»؛ دوم بدست آوردن رونوشت وقف‌نامه میرزا زکی ساوجی^۴ که توسط آقا سید صادق تصدیق شده و در این کتابچه هم ثبت شده بود و سوم شباهت نام تنی چند از محرران شریعات و ثبت‌دارها - که در ادامه معرفی خواهند شد- با اسامی شناسایی شده قبلی همسان بود^۵.

اما تا زمان به دست آمدن این کتابچه از آقا سید صادق مجتهد سنگلجی نمونه‌ای واقعی از یک کتابچه شریعات متعلق به قبل از ۱۳۰۰ ق. / ۱۸۸۲ م. به دست نیامده بود. از کتابچه این مجتهد

مشر شده است. در پیشگفتار این کتاب البته هم به دفاتر شریعات امام‌جمعه خویی که توسط اسناد ایرج افشار برای کتابخانه مرکزی خریداری بوده، اشاره شده است.

۱. درباره این مرکز به مقاله نگارنده با عنوان "آشنایی با دفتر اسناد و شناسایی موقوفات"، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۳۷، ۱۳۸۱، ص ۴۱-۴۶ مراجعه فرمایید.

۲. رضایی، امید: "محکمه شیخ الاسلامیه تمامی شیراز"، فصلنامه وقف میراث جاویدان؛ ۱۳۸۵، ش ۵۴، ص ۷۷-۹۴.

_____ "آقا سید صادق مجتهد سنگلجی و ثبت نوشتجات شرعی"، فصلنامه وقف میراث جاویدان؛ ۱۳۸۵، ش ۵۶، ص ۵۷-۶۸.

_____ "جایگاه خاندان بهبهانی در تولید و ثبت نوشتجات شرعی دوره قاجار"، فصلنامه وقف میراث جاویدان؛ ۱۳۸۵، ش ۵۷.

۳. فصلنامه وقف میراث جاویدان؛ ۱۳۸۵، ش ۵۶، ص ۵۷-۶۸.

۴. پرونده شماره ۲۰۶ استان مرکزی در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه.

۵. "آقا سید صادق مجتهد سنگلجی و ثبت نوشتجات شرعی"، ص ۵۹-۶۰.

دو کتابچه به دست آمد. قدیم‌ترین کتابچه موجود که با سندی به تاریخ پنجم شعبان ۱۲۸۴/ نوامبر ۱۸۶۸ شروع شده، یک دفتر روسی با جلد چرمی و حدود ۴۰۰ برگ بود، و دومین کتابچه که با سندی به تاریخ ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۲/ ژوئن ۱۸۷۶ شروع شده، نیز یک دفتر روسی با جلد چرمی و مشتمل بر ۶۰۰ برگ است.

هر دو کتابچه تقریباً همانند روز اول سالم و دست نخورده باقی مانده‌اند. غنا و اهمیت آنها در مطالعات ملی دوره قاجار سبب می‌شود تا به منظور کمک به محققان و دسترسی ایشان به شمه‌ای از اطلاعات باارزش در این مجلدات قسمتی از آنها منتشر شود. بنابراین در این مجلد فقط دویست و هفده صفحه شامل هشت صد و نود قبال، حکم شرعی و گزارش سوادشدن برگرفته از ابتدای کتابچه - ۱۲۸۴ق./ ۱۸۶۸م - ارائه می‌شود.

ب) آیا آقا سید صادق فقط دو کتابچه داشته است؟

با توجه به آن مطالعه آرشیوی متکی به اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه با اطمینان می‌توان گفت که قبل و حذفاصل و بعد از این دو کتابچه هم حداقل سه کتابچه وجود داشته است. چراکه قدیم‌ترین سجل ثبت‌دار آقا سید صادق دقیقاً ۱۷ ذیقعه ۱۲۷۷/ می ۱۸۶۱ نوشته شده، حدود هفت سال قبل از کتابچه ۴۰۰ برگی می‌باشد که سندی به تاریخ پنجم شعبان ۱۲۸۴/ نوامبر ۱۸۶۸ شروع شده است. حتماً اسنادی را که در سال ۱۲۷۷ق. تا سال ۱۲۸۴ق. تنظیم یا تصدیق کرده، در یک کتابچه شش صد صفحه‌ای یا دو کتابچه حدود سی صد صفحه‌ای به ثبت می‌رسانده‌اند.

بر پایه همان مطالعه آرشیوی آشکار شد که در این محکمه در سالهای ۱۲۸۷ق./ ۱۸۷۰م. الی ۱۲۹۰ق./ ۱۸۷۳م.^۲ نیز ثبت اسناد جریان داشته است. بنابراین از آنجا که کتابچه ۶۰۰ برگی از ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۲ شروع شده، بنابراین حداقل یک کتابچه شرعیات دیگر هم در این بین وجود داشته است که تا امروز به دست نیامده است. همان بررسی آرشیوی نشان داد که ثبت اسناد در

۱. همان، جدول ۱، ص ۵۹.

۲. همان، جدول ۱، ص ۵۹.

محکمه آقا سید صادق تا واپسین روزهای عمر وی در سال ۱۲۹۹ق. / ۱۸۸۲م.^۱ ادامه داشته است، لذا بعد از این کتابچه ۶۰۰ برگه نیز بطور قطع حتماً یک کتابچه دیگر برای ثبت اسناد سه سال آخر حیات این مجتهد باید وجود داشته باشد.

پس اگر برای اسناد هر سه الی چهار سال یک کتابچه در نظر بگیریم که در هر کدام حدود چهار هزار سند شرعی ثبت می‌شده، این محکمه در طول بیست و دو سال ثبت اسناد، حدوداً شش الی هفت کتابچه حاوی سی هزار سند داشته است. اما امروز فقط دو کتابچه با حدود هفت هزار سند از آن مجموعه بجا مانده است. آنچه که سبب می‌شود تا همین دو کتابچه را هم ممتاز و پر فایده به حساب آوریم این است که امروز گردآوری حتی پنج فقره از این اسناد در آرشیوهای کشور، اگر ناممکن نباشد حتماً کار شاقی خواهد بود.

ج) سبک و سیاق ثبت اسناد در محکمه آقا سید صادق سنگلجی

«ثبت‌دار» (ثبات) محکمه آقا سید صادق، بر خلاف رسم معمول سندنویسی، از دو رویه اوراق کتابچه شرعیات استفاده کرده است. صفحه‌ها اغلب به دو ستون هم اندازه تقسیم شده و هر سند با خط کشیده‌ای شبیه به صورت سیاقی کلمه «سند» مشخص شده است. البته بطور استثنای برخی صفحه‌ها که حاوی یک یا دو سند است، بجای شیوه ستونی از سطر استفاده گردیده است. هر صفحه حداکثر مشتمل بر نه طغرا سند است. اما اکثر صفحه‌ها مشتمل بر چهار الی شش سند هستند.

ثبت‌دار، اغلب اوقات پس از آنکه اولین ستون را پر کرده، به ستون دوم روی آورده است. اما مواردی هم هست که اولین سند را در اولین ستون و دومین سند را در دومین ستون ثبت کرده است. شاید همین کار سبب شده که در مواردی ناچار شود سومین سند را در ستون دوم بنویسد و ادامه مطلب را به صفحه بعد نبرد، بلکه بصورت وارونه در فضای خالی نخستین ستون جای دهد. در مورد اسنادی که شروع آنها در ستون اول بوده، گاهی اوقات بجای پا گذاشتن در محدوده ستون دوم، ترجیح داده شده که از فضای خالی حفاصل دو ستون که قابلیت نگارش یک سطر را داشته بهره‌برداری شود. اما در مورد اسنادی که فراتر از یک ستون

جا می گرفته‌اند و شروع آنها، دومین ستون بوده شیوه دیگری مطرح است. اما در مواردی که محرر و ثبت‌دار سند اول را در نخستین ستون و سند دوم را در دومین ستون ثبت می‌کرده، به مرور فضای خالی گشاده در زیر نخستین ستون به وجود آمده است که در این حالت سند سوم را در ستون دوم شروع کرده و ادامه مطلب را بصورت مورب در فضای خالی نخستین ستون ختم کرده است. اما در مواردی که ستون اول از قبل پر شده بود و ادامه مطلب در حد یکی دو سطر بوده به صفحه بعدی نرفته بلکه از فضای خالی سمت چپ ستون دوم استفاده کرده است.

اما سوای این شکل‌بندی، آنچه که مهم است توجه به چند موضوع است: نخست اینکه ثبت‌دار در مواردی که برای نخستین بار، اصل سندی را ثبت می‌کرد، بعلاوه سواد آن نیز وجود داشت، بر هر یک یادداشتی مبنی بر ثبت و ضبط شدن می‌نوشت و مهر می‌کرد، و موضوع را به اجمال در کتابچه متذکر می‌شد:

«السواد مطابق لاصله حرره الاحقر الافل فی ۴ ن د و م ی شهر ربیع الاول ۱۲۸۵. سواد همین نوشته است که ثبت شده است.»

یا

«السواد مطابق لاصله حرر فی ۶ شهر ربیع الاول ۱۲۸۵. سواد همین نوشته است که مفصلاً ثبت شده است.»

دوم اینکه چنانچه سندی را برای سواد برداشتن به وی ارائه می‌شد که پیش از این توسط آقا سید صادق تصدیق شده بوده، اما در آن تاریخ وی کتابچه‌ای برای ثبت اسناد نداشت، ضمن ثبت سند، این موضوع را گوشزد می‌کرد، از قبیل:

«السواد مطابق لاصله المشتمل متناً و ظهراً علی ثلاثه عشر خاتماً و متناً علی اثني عشر سجلاً حرره الافل فی لیله ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۲۸۵. اصل این نوشته در ۱۸ شوال سنه ۱۲۷۱ به مهر مبارک جناب آقا [سید صادق مجتهد سنگلجی] رسیده و ثبت نشده بود، لهذا در این تاریخ که سواد شده، ثبت می‌شود.»

سوم اینکه چنانچه پس از مدتی به دلیلی سند ثبت شده را دوباره به محکمه ارائه می‌نمودند، ثبت‌دار فقط عبارت آقا سید صادق را در کتابچه خود کپی‌برداری می‌کرد و ضمناً می‌نوشت:

«اصل تمسک در تاریخ ۳ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۸۴ ثبت شده است. بتاريخ ۱۹ شهر شوال ۱۲۸۴».

چهارم اینکه چنانچه سندی را که ثبت می‌کرد «نسخ همسنگ»^۱ نیز داشت، عبارت مبنی بر این موضوع را هم کپی می‌کرد، از قبیل:

«ذلک الکتاب نستختان»

پنجم اینکه چنانچه سند ثبت شده پس از مدتی به دلیلی تجدید نظر می‌شد یا عقد انجام شده، فسخ می‌گردید، ثبت‌دار، علاوه بر اینکه مهر آقا سید صادق را از روی اصل سند می‌کشید و نقش مهر را از بین می‌بردند، صورت ثبت شده در کتابچه شرعیات محکمه را نیز خط می‌زد و می‌نوشت:

«این نوشته سجلاً و متناً تغییر داده شده و دو مرتبه نوشته و ثبت شد.»

یا

«این نوشته بتاريخ يوم پنجم شهر ذی‌حجه ۱۲۸۴ باطل شد و مهر جناب آقا [سید صادق مجتهد سنگلجی] کشیده شد.»

حداقل اهمیت ثبت اسناد این بوده که چنانچه سندی مفقود می‌شد ذینفع به محکمه مراجعه می‌کرد و آقا سید صادق و ثبت‌دارش با مراجعه به کتابچه، المثنی، تهیه می‌شد که در صدر آن سجلی دال بر حقیقت ماجرا می‌نوشت، از قبیل:

«المثنی است تک نسخه اول مفقوده شده.»

یا

«بحسب مصالحه نامه مشتمله بر خطوط و امهار علماء اعلام کثر الله امثالهم تفصیل مسطور کما هو المسطور صحیح و مطابق واقع است و عمل به آن لازمست هر چند اصل مصالحه نامه فعلاً مفقود است و لکن مضمون آن بهمین تفصیل مرقوم در ثبت ما ثبت است. حرره الاقل فی ۲۴ ذی‌الحجه ۱۲۸۴».

که ثبت‌دار هم به عنوان ملاحظات در ذیل آن نوشته است:

«اصل این نوشته در تاریخ ۱۱ رمضان المبارک سنه ۱۲۸۴ در کتابچه مفصلاً ثبت شده است.»

۱. درباره «نسخ همسنگ» در دوره قاجار به مقاله نگارنده در کتاب جغرافیای در سندشناسی فارسی، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ و وقف، ۱۳۸۵: صص ۱۰۹-۱۲۵ مراجعه فرمایید.

یا در مورد دیگری نوشته است:

«تاریخ شب پنجم شهر جمادی الاولی ۱۲۸۵ قباله مصالحه‌نامه‌چه آخوند ملا یعقوب و میرزا بیک دریاب شش‌دانگ خانه واقعه در کنار خندق از محله سنگلج من محلات طهران که اصل قباله در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۲۸۱ ثبت شده بود مجدداً از روی ثبت نوشته شده و باخوند داده شد تا واضح باشد.»

ششم اینکه در مواردی که سند را مجتهد دیگری تدوین کرده بود و به تصدیق جمعی از علما رسیده بود و در نهایت جهت ابراز نظر یا ثبت به آقا سید صادق عرضه می‌شد، تا از خط و مهر هر یک از علما مطمئن نمی‌شده، قلم بر کاغذ نمی‌برده است، چنانکه ثبت‌دار در کنار ثبت یکی از اسناد بدون سجل مربوط به روز ۱۶ ذیحجه ۱۲۸۴ نوشته است:

«این حکم جناب آخوند ملا علی قاپوزآبادی است و چون خط آخوند نبود جناب آقا امضا نمودند.»

د) مقایسه کتابچه شرعیات آقا سید صادق با کتابچه شیخ فضل‌الله نوری

با این بررسی زمینه لازم برای مقایسه این کتابچه آقا سید صادق که مربوط ۵ شعبان ۱۲۸۴- ۱۶ رمضان ۱۲۸۵ با کتابچه شرعیات شیخ فضل‌الله نوری مربوط به حدفاصل دوم ربیع‌الثانی ۱۳۰۳ الی شعبان ۱۳۰۶ فراهم آمده است. این مقایسه از چند جنبه امکان‌پذیر است.

۱) سجل‌نویسی:

برجسته‌ترین تفاوت بین کتابچه‌های این دو محضر، به سجل‌نویسی مربوط می‌شود. چنانکه گفته شد برخی از اسنادی که توسط آقا سید صادق تصدیق می‌شد ممکن بود که دو روز، یک هفته، دو هفته و حتی سی و یک سال قبل در جای دیگری و توسط رجال دیگری تحریر و

تصدیق شده بوده‌اند.^۱ این موضوع بخودی سبب نمی‌شد که آقا سید صادق هم چشم بسته سند را امضاء کند. بلکه همچنانکه در سند دقت می‌کرد روی خط و مهر هر سجل نیز متمرکز می‌گردید و پس از اطمینان از خط و مهر هر تن از علما سند را با ذکر نام چندن از مصدقان تصدیق می‌نمود. در غیر اینصورت قلم بر کاغذ نمی‌برد. در چنین حالاتی با آنکه ثبت‌دار، سند را در کتابچه وارد می‌کرد، جای سجل سفید می‌نماند.

حال آنکه در محضر شیخ فضل‌الله نوری، رسم نبوده که ثبت‌دار در ابتدای هر سند سجل شیخ را کپی و درج نماید. صرفاً به یک جمله بسته شده است: «سجل دارد». اما نمی‌دانیم که منظور سجل دیگران بوده است یا سجل خود شیخ. اما در هر دو محکمه تصدیقات دیگران اصلاً استنساخ نمی‌شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تمامی اسنادی که در کتابچه شیخ فضل‌الله به ثبت رسیده، معتبر است اما در کتابچه آقا سید صادق، اسنادی که سجل ندارند، معتبر نمی‌باشند.

(۲) مراجعین:

این بخش از کتابچه عموماً شامل نوشتجات شرعی دوره قاجار و تعداد انگشت‌شماری اسناد مشابه دوره صفوی است. این قبالات اکثراً مربوط به محله سنگلج است اما اسنادی از مناطق اردبیل، اصفهان، خراسان، خمسه، سمنان، عراق (اراک)، فارس، قزوین، کردستان، کرمانشاه، مازندران، مراغه، ملایر، یزد و خصوصاً همدان هم در آن وجود دارد. از همه طبقات اجتماعی دوره قاجار در شهرها مختلف به این محکمه مراجعه می‌شده است، از جمله میرزا محمدحسین وزیر یزد، مهدقلی میرزا فرمانفرمای طبرستان، میرزا محمدحسین سررشته‌دار قزوینی، میرزا مسیح مستوفی دیوان اعلی، امیر اصلاخان ایشیک آقاسی باشی مجدالدوله، مستوفی الممالک، میرزا زمان سررشته‌دار نظام ممالک محروسه ایران، میرزا عیسی وزیر، میرزا

۱. آقا سید صادق مجتهد سنگلجی و ثبت نوشتجات شرعی، ص ۵۹.

فتحعلی صاحب دیوان، میرزا یوسف لشکرنویس نوری، محمدحسین خان مشهور بخان حاکم، سلطان حمید میرزا، احمد خان نوائی ملقب بعمیدالملک تا محمدقلی امین التجار، مشهدی محمدرضا لحاف دوز، کربلانی قاسم دباغ، کربلانی غلامعلی صراف، ملا احمد مکتبدار، حاج عباس فرش فروش. البته بندرت هم یهودیان، مسیحیان و حتی اتباع روسیه هم به آقا سید صادق مراجعه می کرده‌اند.

با آنکه شیخ فضل الله نوری ساکن سنگلج بوده، اما بیشتر مراجعین شیخ، علاوه بر اهالی محل، اهالی خطه مازندران بوده‌اند.^۱ ازینرو برای محققان حوزه شهری در دوره قاجار حداقل این امکان وجود دارد که میزان تورم و تغییرات محله سنگلج را در یک فاصله زمانی سی ساله بطور ریز و خیلی دقیق بررسی نمایند.

ج) ملاحظات:

در پیشگفتاری که بر کتابچه شرعیات شیخ فضل الله نوری نوشته شده به عنوان یکی از ممیزات، به فسخ برخی در اسناد ذیل صورت آنها اشاره شده است.^۲ حال آنکه چنانکه چند دهه قبل، ثبت دار محکمه آقا سید صادق علاوه بر اعلام فسخ سند در ذیل همان سند، صورت ثبت را هم خط می زده و مهر آقا سید صادق را هم از اصل سند جدا می کرده و با لاشه کردن قبالة کار را به آخر می رسانده است. البته بعید است که شیخ فضل الله هم چنین روند را دنبال نمی کرده، ولی با بررسی کتابچه وی نمی توان این روند را به دست آورد. دیگر اینکه ثبت دار شیخ نیز تهداد همسنگ ها و سواد برداشتن از سند را در ذیل صورت ثبت قید می کرده است. سابقه طولانی ثبت اسناد در محکمه آقا سید صادق سبب شده بود تا اگر قبالة ای ظهنویسی مبنی بر ثبت توسط خود ثبت دار یا دیگر ثبت داران داشت، در مراجعه دوباره صاحب قبالة به محکمه، صرفاً به زمان مراجعه دوم و نام ثبت دار قبلی بسنده کند. این موضوعی است که در کتابچه شیخ مشهود نیست.

۱. در محضر شیخ فضل الله نوری، صص ۱۲ و ۱۴ و صص ۲۲ و ۲۳.

۲. همان، ص ۱۲.

هـ) ثبت‌دار

آن بررسی آرشیوی نشان داد که آقا سید صادق در طول بیست دو سال پایان عمرش حداقل نه نفر محرر شرعیات و ثبت‌دار داشته است.^۱ حال این پرسش مطرح است که این کتابچه و خصوصاً این گزیده که از آغاز تا پایان خط یک نفر است، ماحصل کار کدامیک از آن نه نفر است؟

ثبت‌داران آقا سید صادق فقط صورت اسناد را در کتابچه وارد می‌کرده‌اند، بی آنکه در ذیل صورت ثبت هر سند از خود نام ببرند و آن را مهر نمایند. اما در مواردی که سندی به دستشان می‌رسید که پیش از این توسط یکی از همکارانشان به ثبت رسیده بود، با نام، از وی یاد می‌نمودند، از قبیل:

«... شهر محرم الحرام ۱۲۸۴. در ثبت شیخ کاظم ضبط است.»

یا

«اصل تمسک در ثبت شیخ کاظم ضبط است.»

یا

«در ثبت ملا محمدحسین است.»

این موضوع آشکار می‌سازد که این کتابچه توسط شخص دیگری به وجود آمده باشد. همچنین از آنجا که در ضمن یکی از سجلات آقا سید صادق به تاریخ ۱۳ ذیحجه ۱۲۸۴، از شخصی به نام «حاج ملا میرزا محمد» تحت عنوان «از اصحاب ما» نام برده است. بعلاوه در ضمن طلاق‌نامه‌ای که به تاریخ چهارم ربیع‌الثانی ۱۲۸۵ نیز از شخصی به همین اسم نام برده شده است: «... وکیل نمود حقیر میرزا محمد محرر را...»، و از آنجا که از آن بررسی آرشیوی به دست آمد، یکی از محرران آقا سید صادق در همین مقطع زمانی، «محمد» بوده که مهری چهارگوش به خط ثلث با سجع «العبد المذنب محمد»^۲ داشته است. بنابراین به احتمال زیاد این کتابچه شرعیات، ماحصل کار و به خط «حاج ملا میرزا محمد محرر» می‌باشد.

* * *

۱. آقا سید صادق مجتهد سنگلجی و ثبت‌نوشتجات شرعیه، صص ۵۹-۶۰.

۲. همان، صص ۵۹-۶۰.

در پایان گفتنی است این بررسی آشکار ساخت که برای مطالعات سندشناسی دوره قاجار، علاوه بر مطالعه خود قبایجات، مطالعه جداگانه کتابچه شرعیات نیز ضروری است. چراکه فقط با جمع‌بندی این دو دسته اطلاعات است که می‌توان به تصویری حقیقی و کامل از ماهیت ثبت اسناد در هر یک از محاکم شرع دوره قاجار دست یافت.

و الحمد لله رب العالمین

امید رضایی

مردادماه ۱۳۸۶

rezaiomid@gmail.com